

آقایان: حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری^۱، دکتر حامد حاجی حیدری^۲، دکتر محمد خوش چهره^۳، دکتر مهدی ناظمی^۴ و مهندس سیدمرتضی نبوی^۵ در میزگرد علمی راهبرد یاس با عنوان:

هویت اسلامی ایرانی انقلابی و توسعه

یاس راجد
ضمن تشکر از اساتید محترم؛ عنوان میزگرد فعلی، هویت اسلامی ایرانی انقلابی و توسعه است که مأخوذ از سند چشم‌انداز بیست ساله می‌باشد. البته قید ایرانی بودن در صدر سند ذکر نشده ولی در ذیل آن موجود است؛ مفتخر به ایرانی بودن، سؤالات مدنظر در این میزگرد عبارتند از:

- هویت اسلامی، هویت ایرانی و هویت انقلابی چیست؟
 - آسیب‌ها، چالش‌ها، نقاط ضعف و قوت هویت اسلامی، ایرانی انقلابی و ارتباط آن با توسعه؟
 - چگونگی تقویت نقش هویت اسلامی، ایرانی انقلابی در توسعه؟
- بحث را با جناب آقای دکتر علی اکبری آغاز می‌کنیم که در این زمینه سابقه پژوهش و فعالیت علمی بسیاری داشته‌اند. بفرمائید!

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن علی اکبری: در قسمت اول بحث و قبل از ورود به پاسخ سؤالات، مقدمه‌ای تحت عنوان ضرورت پرداختن به موضوع هویت را مورد توجه قرار

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۴- عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۵- عضو شورای علمی گروه مطالعات انقلاب اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

می‌دهم.

هویت به جهات گوناگون بایستی مورد توجه قرار بگیرد.

- ۱- طبیعت مبحث توسعه و تحولات ناشی از توسعه، اصطکاک و درگیری قابل توجهی با هویت دارد. معمولاً تحولات فزاینده‌ای که در توسعه مطرح است، آثار بسیار زیادی روی هویت می‌گذارد و خود هویت هم در شکل‌گیری توسعه، بسیار تعیین‌کننده است.
- ۲- وجه دیگر اینکه وقتی می‌خواهیم مسیر و الگوی مطلوب توسعه را انتخاب کنیم، علی‌القاعده شناخت هویت جامعه، بستر و مقدمه را برای انتخاب و گزینش الگوی خاصی از توسعه مهیا می‌کند. یعنی در انتخاب الگوهای توسعه باید به هویت توجه کرد. اقتضائات هویت جامعه چه نوع الگویی است؟
- ۳- جنبه دیگر ضرورت بحث از هویت این است که وقتی از هویت صحبت می‌کنیم، در واقع نوعی پیشگیری از تنش است که الگوی منتخب ما با مؤلفه‌های هویتی جامعه خواهد داشت و از این رو پرداختن به هویت و اجزا و مسائل آن مهم است.
- ۴- وجه دیگر پرداختن به هویت این است که برای اینکه بین اهداف و روش‌های الگوی توسعه با ساختار هویتی جامعه هماهنگی ایجاد کنیم، لازم است که به این موضوع بپردازیم. وقتی دنبال توسعه هستیم، حتماً باید نوعی هماهنگی بین اهداف و روش‌های الگوی توسعه با ساختار هویتی جامعه داشته باشیم. اگر این کار را نکنیم، طبیعتاً هزینه‌های اجرای الگو بالا می‌رود، در حالی که شناخت این دو و تبیین نسبت بین این دو کمک می‌کند که هزینه‌های اجرای الگوی توسعه را تقلیل بدهیم.
- ۵- وجه دیگر ضرورت توجه به هویت، تضمین پایداری الگوهای توسعه است. الگویی که مبتنی بر هویت جامعه باشد، پایدارتر است و از امکان ثبات بیشتری برخوردار است.
- ۶- وجه دیگر اینکه این مطالعه کمک می‌کند که آثار توسعه بر جامعه را پیش‌بینی کنیم و اگر توسعه‌ای ممکن است آثار سوء هویتی داشته باشد، می‌توان از آن پیشگیری کرد و یا آثار مثبت آن را در جهت تقویت هویت، برنامه‌ریزی و پیگیری و بهره‌برداری کرد.
- ۷- در هر جامعه‌ای جریان‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. این جریان‌ها

معمولاً آمیختگی و تنیدگی با آثار هویتی آن جامعه دارند. جریان‌هایی که در طول تاریخ و در بستر اجتماعی خاصی شکل گرفته‌اند، شناخت این جریان‌ها لازم است و پرداختن به بحث هویت کمک می‌کند که ما جریان‌ات اقتصادی - اجتماعی جامعه را بازشناسی کنیم. هویت، همسوسازی و همراه‌سازی این جریان‌ها و استفاده از ظرفیت‌های این جریان‌ها را در باب توسعه، امکان پذیر می‌سازد.

۸- امروزه بحث هویت در مباحث جهانی شدن بسیار تعیین کننده است و از این زاویه نیز پرداختن به هویت و توسعه، به کار می‌آید.

۹- هویت اسلامی - انقلابی که در متن اصلی سند چشم‌انداز ذکر شده، از چند جهت مهم است؛ یک جهت اینکه این عبارت تقریباً تنها تغییری است که مقام معظم رهبری در سند پیشنهادی مجمع اضافه کردند که بسیار هوشمندانه و دقیق و متین بود و در واقع به مثابه روحی در کالبد سند چشم‌انداز است. اگر این واژه اسلامی انقلابی نباشد، می‌توان گفت سند، روح ندارد و بدون این عبارت، این چشم‌انداز برای هر کشور دیگری می‌تواند قابل استفاده باشد. چیزی که ما را از دیگر جاها متمایز می‌کند، هویت اسلامی انقلابی است. این عبارت در واقع تنها حرف اصلی و اساسی است که به صورت برجسته و آشکار مطرح شده و از خط قرمزهایی است که هرگز نمی‌توان از آن عقب‌نشینی کرد، چون معنای آن در سند این است که ما توسعه‌یافتگی را می‌خواهیم و آن را دنبال می‌کنیم و همه اهداف توسعه‌ای را دنبال می‌کنیم به این شرط که هویت اسلامی انقلابی ما، حفظ و تقویت شود. در واقع خط قرمز توسعه در کشور ما همین است و موضوعی است که از آن نمی‌توان به راحتی عبور و عقب‌نشینی کرد.

گذشته از این موارد، اگر بخواهیم از منظر پرداختن به موضوع هویت نکته‌ای را ذکر کنیم، توجه به این مطلب ضروری است که اولاً مفهوم هویت هم مانند مفهوم توسعه دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. مطلب دیگر ابعاد گوناگونی است که بر بحث هویت مترتب است. وجود ابعاد گوناگون که به تبع آن می‌بینیم چه در مباحث غربی‌ها و چه در مباحث شرقی‌ها، بحث هویت بسیار مفصل بوده و بسیار رواج دارد. مسأله دومی که اهمیت هویت را مضاعف می‌کند، وجود گفتمان‌های هویت فراملی در دنیا است که جریان‌های مختلفی در سطح منطقه و دنیا، تأثیرگذار هستند. ما برای اینکه از جریان‌های مختلف، تأثیر منفی نپذیریم حتماً بایستی دارای هویت قومی اسلامی انقلابی باشیم. وجه دیگر اهمیت هویت این است که تا هنگامی که این مفهوم روشن

نشده باشد، نمی‌توانیم از برخی مفاهیم دیگر مانند وحدت ملی، منافع ملی، استقلال، انسجام ملی و نظایر آن درک صحیحی داشته باشیم و به آنها پردازیم؛ یعنی تقوم برخی از سایر مفاهیم در باب توسعه متکی به بحث هویت است.

مسئله مهم دیگر غفلتی است که صورت گرفته و بایستی آن را جبران کنیم، در حوزه سیاستگذاری در باب هویت است که ابهاماتی وجود دارد و باید سیاست‌ها و سیاستگذاری‌های هویتی خود را روشن بنمائیم. احساس تأثیرات فرهنگی در موضوع هویت نیز در خور توجه است؛ چرا که احساس هویت در شکل‌گیری فرهنگ جامعه، در رعایت هنجارها، در بازدارندگی از ناهنجاری‌ها، در جلوگیری از انحرافات فکری و عملی و هرگونه تحولی در موضوع فرهنگ بسیار تعیین‌کننده است.

اهمیت و ضرورت بحث هویت را می‌توان به جملاتی از بزرگان مزین نمود. حضرت امام (ره) در چند جا مسأله اصلی بین ما و دشمنان را هویت اصیل دینی می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «بارها تذکر داده‌ام که باید ایرانی بسازیم که بتواند بدون اتکاء به آمریکا و شوروی و انگلستان، این جهانخواران بین‌المللی؛ استقلال خویش را به دست گیرد و روی پای خود بایستد و هویت اصیل را به جهان عرضه کند» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۹۱).

شهید مطهری نیز در جایی می‌فرماید: استعمار سیاسی و اقتصادی آنگاه توفیق حاصل می‌کند که استعمار فرهنگی توفیق به دست آورده باشد و بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان، شرط اصلی این موفقیت است. استعمار دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده است که فرهنگ که مردم به آن تکیه می‌کنند، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبق الگوی غربی بشوند» (خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۵۳). در واقع خیلی هوشمندانه ایشان ضرورت پرداختن به بحث هویت را و تقابلی که بین هویت دینی و هویت غیردینی در عرصه‌های مختلف وجود دارد را یادآور می‌شوند.

جرج جرداق (نویسنده معروف لبنانی) نیز می‌گوید: «من سالهاست نگران از بین رفتن ارزش‌های ملی کشورهای با هویت بوده‌ایم. به اعتقاد من اگر بخواهیم مرض بی‌هویتی را که مثل سرطان پیکره جوامع شرقی را در بر می‌گیرد، معالجه کنیم؛ باید از خودمان شروع کنیم و از تبلیغات خودی دریچه‌ای به دل‌های ملت‌هایمان بگشاییم تا از آن منظر، روح رشادت و اراده مستحکم

ملی را به پیکره جوامع تزریق کنیم و فرزندانمان را با هویت خودشان آشنا سازیم. من اعتقاد دارم اگر ما بتوانیم فرزندان خود را با تمدن و میراث فرهنگی خود آشنا سازیم و هویت فرهنگی شرقی را به آنها بفهمانیم، هرگز از فرهنگ غرب با تمام ابزارهایش متأثر نخواهیم شد» (روزنامه کیهان، ۷۲/۱۱/۱۴).

حضرت امام (ره) در جایی دیگر می‌فرماید: باید در فرهنگ، توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کرده‌ایم خودمان را، تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشته‌ایم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب، آنهم نه آنیکه آنها دارند، آنیکه به ما می‌دهند. اگر آنیکه آنها داشتند بسیار خوب، آنها در جهات طبیعی جلو هستند اما آنیکه به ما تحویل می‌دهند... نمی‌خواهد برای ما فرهنگ درست کند. این می‌خواهد یک فرهنگ غربی درست کنند که در خدمت غرب باشد... هر چه از غرب برای ما می‌آید، یا از شرق برای ما می‌آید که سوغات برای ما می‌آورند، آنهایی است که ما را تباه کرده است (دیدگاه فرهنگی امام خمینی (ره)، ص ۴۲).

ایشان در تعبیر دیگری می‌فرمایند: نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی، الهی‌مان نمی‌شناسند... ما چه خواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه دار نمایند (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷ با اندکی تلخیص).

این کلام به این معنا است که آنها تا هویت دینی ما را نگیرند، کوتاه نمی‌آیند. اتفاقاً نقطه قوت ما هم همین هویت است.

جمله‌ای دیگر از حضرت امام (ره) وجود دارد که ایشان می‌گویند: «من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند» (صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۱۰۹).

حال که نقطه کانونی و کلیدی مورد توجه دشمنان، هویت است؛ یکی از شیوه‌های نرم و نرم‌افزاری برای ضربه زدن به هویت، استفاده از داستان توسعه است. همین موضوعی که در اغلب

کشورها و در تجربه گذشته دهه‌های قبل در مورد جهان سوم وجود دارد و در بستر همین توسعه، هویت‌ها را گرفتند و برخی جوامع را بی‌هویت کردند و از این طریق بر آنان سلطه پیدا کردند. بنابراین در پرداختن به توسعه، نباید از مسائل مرتبط با هویت غفلت کرد و این ویژگی، نه تنها دارای اهمیت و ضرورت خاصی است بلکه در بین همه مؤلفه‌های سند چشم‌انداز، مقدم بر همه و کلیدی‌تر بوده و پرداختن به آن، لازم‌تر است.

راجه یاس
جناب آقای دکتر ناظمی، جنابعالی توجه به چه موضوعاتی را در این مقوله ضروری می‌دانید؟

دکتر مهدی ناظمی: قبل از اینکه حقیر هم نظراتی ارائه کنم، مناسب است جناب دکتر علی‌اکبری با پاسخ به چند سؤال، بیشتر راهنمایی کنند. مفهوم و تعریف هویت چیست؟ وقتی جامعه‌ای یا فردی را با هویت یا بی‌هویت می‌دانیم، چه مفهوم و تعریفی از آن داریم؟ آیا اصلاً فردی یا جامعه‌ای می‌تواند بی‌هویت باشد؟

وقتی در بیانات حضرت امام (ره) یا مقام معظم رهبری به هویت اشاره می‌شود، پسوند آن مستتر است. منظور، هویت دینی، هویت اسلامی، و هویت انقلابی می‌باشد. هنگامی که دشمنان می‌خواهند هویت دینی جامعه‌ای را بگیرند، بدین معناست که می‌خواهند هویت دیگری را جای آن بگذارند.

سؤال مقدم این است که بین واژه‌های هویت، ماهیت، شخصیت چه تمایز مفهومی وجود دارد؟ و بخصوص اینکه رابطه این موارد با فرهنگ چیست؟ وقتی جامعه‌ای را با هویت یا بی‌هویت و یا با فرهنگ و بی‌فرهنگ می‌نامیم، تفاوت این نسبت‌ها با یکدیگر کدام است؟

سؤال اصلی این است که برای هویت اسلامی، هویت انقلابی و هویت ایرانی چه مفهوم و تعریفی داریم؟

دکتر علی اکبری: هویت مصدر جعلی در زبان فارسی از ضمیر هو در زبان عربی است. این ضمیر که برای مغایب استعمال می‌شود، به منظور اشاره به تمام حقیقت و واقعیت کسی است که از او نامی به میان آمده باشد. به خصوص هنگامی که امکان تصریح به همه ابعاد وجودی او نباشد. در واقع با این ضمیر به مقام، هستی، شئون و آنچه متعلق به شخص مورد نظر است، اشاره

می‌شود و نوعی در پرده ابهام بودن، تعظیم و تکریم و دور از دسترس بودن و همچنین عدم امکان اشراف و احاطه و بیان مقام غیبی و پوشیدگی است. بعنوان مثال در قرآن کریم برای معرفی خداوند سبحان قبل از ذکر اسم جلاله با ضمیر هو از ذات مقدس باری تعالی یاد می‌شود: «قل هو الله احد» و این بدان معناست که حقیقت ذات حق (جل و علا) جز با اشاره قابل درک نیست و او قابل اکتناه عقلی نیست.

به ذات پاکش خرد برد پی اگر رسد خس به قعر دریا

در لسان قرآن یکی از واژه‌های نزدیک به مفهوم هویت کلمه «مثنوی» به معنی جایگاه و ارزش است که بیان کننده مفهوم احساس هویت می‌باشد. قال النار مثنواکم (سوره انعام، آیه ۱۲۸). یعنی آتش اقامتگاه شماست. انه ربی احسن مثنوی (سوره یوسف، آیه ۳۳) یعنی پروردگارم مرا گرامی داشته و جایگاه و ارزش والائی برای من قائل بوده و به من کرامت بخشیده است.

از همین رو و با این احساس هویت و با شناخت از خود و اساس توجه خدا به خود بود که یوسف (ع) از گناه اجتناب نمود و این احساس هویت او را از زشتی‌ها باز داشت.

مطلب دیگری که به نظرم ذکر آن می‌تواند مفید باشد اینکه اصطلاح «هویت» که به بررسی تداوم، تغییر و وحدت در عین کثرت می‌پردازد، دارای تاریخ فلسفی بلند مدتی است. استفاده از این اصطلاح از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد رایج شده و در دو حوزه نظری روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است. تئوری‌های حوزه روان‌شناسی که با کارهای فروید شروع شده است، بر هسته درونی و ذهنی یک ساختار روانی و فیزیکی تأکید دارند، اما سنت جامعه‌شناسی تئوری‌های هویت با مفهوم خود در مکتب کنش متقابل نمادین پیوند خورده است. تئوری‌های جامعه‌شناسی در ابتدا به وسیله کارهای ویلیام جیمز و جورج هربرت مید شروع شد و بعدها به وسیله کارهای اروینگ گافمن، پیتز برگر و مفهوم هویت به طور روشن استقرار یافت و وارد تحلیل‌های جامعه‌شناسان شد.

در مورد تعریف هویت باید گفت هویت^۱ در اصطلاح جامعه‌شناختی، کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویش است، در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش می‌باشد. این کوشش زمانی مطرح می‌شود که انسان با دیگری مواجه می‌شود. به عبارت دیگر هویت، داشتن تصویر روشنی از چگونگی «بودن» است که ریشه در گذشته دارد، در حال شکل می‌گیرد و نظر به

آینده دارد.

باید اضافه کنم که هویت از یک منظر، نگرشی به خود است. خودی که به جنبه‌هایی از شخص اشاره دارد که به صورت (من) معین می‌شود و معمولاً مشتمل بر ادراکات و احساسات فرد در مورد بدن، کفایت‌های شخصی، ارزش‌ها و علایق او است و از منظر دیگر نگرشی به برون است که رابطه بین خود و دیگران ویژگی مهم آن است و سرانجام هویت تصویری است که یک فرد از خویشتن واقعی خویش دارد.

برخی هویت را فرایند تصور، درک و ارزیابی فرد نسبت به خودش از منظر دیگران یا جامعه می‌دانند که در نتیجه آن، فرد احساس کند در منظر دیگران یا جامعه دارای جایگاه، ارزش و احترام است.

راجه یاس جناب آقای دکتر علی اکبری برای شناخت مؤلفه‌ها و عناصر هویت چه مواردی را باید مورد توجه قرار داد؟

دکتر علی اکبری: به نظر من بستر اصلی شکل‌گیری هویت انسان، نگرش او است. از یک سو نگرش به خود یعنی «من معین»، ادراکات نسبت به بدن، ارزش‌ها، و علائق فرد و از سوی دیگر رابطه بین خود و دیگران و از نسبی که با دیگران در نگرش انسان شکل می‌گیرد، هویت فردی و اجتماعی او را پدید می‌آورد.

تصویری که انسان از خویشتن واقعی خویش پیدا می‌کند، هویت اوست. من کی هستم؟ من چی هستم؟ ما کی هستیم؟ ما چه هستیم؟
البته هویت اقسامی دارد: هویت فردی، هویت فرهنگی و هویت دینی.

هویت فردی محصول تعامل هویت واقعی، هویت مورد انتظار و هویت آرمانی فرد است. هویت فرهنگی برآیند هویت مذهبی، ملی و فردی است. یعنی شناسنامه جامعه است که بوسیله سنت‌های جامعه شکل می‌گیرد.

هویت دینی پس از تحکیم ارتباط آدمی با خداوند متعال و پذیرفتن حاکمیت الهی در وجود انسان و جامعه پدید می‌آید و انسانی که رفتار و سلوکش ریشه در وحی دارد، از هویت دینی برخوردار است و پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان‌ها و

هدف‌های دین شکل می‌گیرد.

به نظر من یکی از شناخته‌شده‌ترین گونه‌های لایه‌بندی هویتی بحث هویت در سطوح سه گانه شخصی، اجتماعی و ملی است. در مورد هویت شخصی باید بگویم آگاهی هویتی انسان از خویش براساس رابطه با خانواده و جنسیت است. و هویت اجتماعی که دارای گوناگونی و هم‌زمانی نیز می‌باشد، شناخت خویش و شناساندن خویش به دیگران بر اساس مقولات گوناگون موجود در لایه‌های اجتماعی است و بر حسب تعلق انسان به محل، زبان، نژاد، طایفه، قوم و یا جریان فکری و علمی و تربیتی و سازمانی خاص و بعضاً به صورت موقتی شکل می‌گیرد.

هویت ملی، هویت محوری^۱ است و از تعلق فرد به یک سرزمین و کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد و معمولاً افراد، دارای یک هویت ملی بیشتر نمی‌باشند.

هویت ملی افراد به شدت از هویت دینی آنان متأثر است و هویت دینی ملتها در شکل‌دهی و استمرار هویت‌های ملی تعیین‌کننده هستند.

می‌توان گفت عناصر سازنده هویت ملی تاریخ، سرزمین و جغرافیا، پیشینه سیاسی و حکومت، موارث فرهنگی، دین و مردم هستند. عوامل شکل‌دهنده هویت انسان، همه عوامل فرهنگ‌ساز اوست. دین و اعتقادات، خانواده، نهادهای تربیتی و پرورشی، رسانه‌ها، نظامات اجتماعی، رهبران، حوادث و رویدادها، شخصیت‌های علمی، ادبی، فرهنگی و نظامی، علم و تکنولوژی و امثال آن هر یک بعنوان عوامل شکل‌دهنده هویت انسانی با سهم متفاوتی که در شرایط گوناگون دارند، قابل بررسی است.

در مورد هویت دینی باید توضیح دهم که از آنجا که خاستگاه دین در سرشت انسان است و انسان‌ها مفسور به فطرت الهی خود هستند (با توجه به آیه شریفه فاقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها «سوره روم، آیه ۳۱») و هیئت آفرینش جان انسان‌ها، دینی و الهی است. هویت دینی در درون انسان و با آفرینش او آمیخته است. در روح و روان و سرشت انسان و در کنار گرایش‌های اساسی درونی او، حس خداخواهی و خداجوئی وجود دارد و او را به ماوراء طبیعت متمایل کرده و تجلیات خاص خود را دارد. یعنی همانگونه که حس کنجکاو در بشر پدید آورنده علوم و صنایع بوده و باعث پرده‌برداری از رازهای نهفته در طبیعت است، حس مذهبی تجلی بخش مظاهر دین‌گرائی، ارزش‌جوئی، آرمان‌خواهی و در یک کلام هویت دینی

است که نقش اساسی در حیات انسان‌ها داشته و هرگز ریشه کن نشده و با انسانیت انسان‌ها پیوند دائمی دارد و از این رو مبارزه با آن هرگز به براندازی کامل آن منجر نمی‌شود، اگر چه امکان تضعیف آن وجود دارد.

در مورد شاخصه‌های هویت دینی، ذکر نکاتی را ضروری می‌دانم. همانطور که اساتید محترم اطلاع دارند هویت دینی که مقصود از آن در این گفتگو همان هویت اسلامی است، دارای شاخصه‌ها و نماگرهائی است که با وقوف بر آن‌ها می‌توان به ابعاد آن پی برد. این شاخص‌ها، اعتقادی (بینشی)، اخلاقی (گرایش‌ی)، رفتاری (کنشی) می‌باشد و هر یک از آنها شقوق و انشعابات مختلفی دارد. در بین شاخص‌های اعتقادی، اعتقاد به خدا، اعتقاد به معاد، اعتقاد به پیامبر(ص) و معصومین(ع) محوری‌ترین شاخص می‌باشد. آموزه‌های اخلاقی و اصول ارزشی اخلاقی مانند بی‌رغبتی به دنیا، توکل و معاشرت نیکو شاخص‌های اخلاقی هستند و برنامه‌های عبادی و فرائض و رفتارهای دینی، نمادها و نماگره‌های رفتاری هویت دینی هستند.

به نظر من اگر شاخصه‌های سیاسی همچون دشمن‌شناسی، سازش‌ناپذیری و ظلم‌ستیزی و امثال آن را منطبق بر تعالیم دینی و با مبانی اسلامی تفسیر و تبیین کنیم، همه شاخصه‌های انقلابی نیز در ضمن شاخصه‌های اسلامی وجود خواهد داشت و صحیح‌تر آن است که تفسیر اسلام ناب محمدی(ص) در بردارنده همه شاخص‌های هویت اسلامی انقلابی می‌باشد.

باتوجه به آنکه بحث شاخصه‌های هویت دینی بسیار گسترده است طرح آنها وقت مستوفائی می‌طلبد، در اینجا تنها به ذکر برخی آیات و روایات برای پی بردن به این شاخصه اکتفا می‌کنیم. **الف)** سوره شوری، آیات ۳۹-۳۶. «فما اوتیتم من شیء فمتح الحیوه الدنیا و ما عندالله خیر و ابقى للذین ءامنوا و علی ربهم یتوکلون و الذین یتجتبون کبائر الاثم و الفوحش و اذا ما غضبوا هم یتغفرون و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلاه و امرهم شوری بینهم و مما رزقنهم یتفقون و الذین اذا اصابهم البغی هم یتنصرون.»

به نظر من از این آیه شاخصه‌های ایمان، توکل، اجتناب از فواحش، بخشش، نماز، شوری، انفاق و یاری قابل استفاده است.

ب) سوره فتح، آیه ۲۹. «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یتتغون فضلاً من الله و رضواناً سیما هم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التورثه و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطه فازره فاستغلظ فاستوی علی سوجه یعجب الزراع لیغیظ بهم

الكفار و عد الله الذين ء امنوا و عملوا الصلحات منهم مغفره و اجرا عظيما»
سروران حاضر در میزگرد تأیید می‌کنند که با تأمل در آیه فوق مجموعه شاخص‌های اسلامی و انقلابی‌ای قابل استنتاج است که در بیانات رهبر معظم انقلاب در یکی از خطبه‌های نماز جمعه نیز مورد توجه ایشان قرار گرفت:

۱- ایمان و معنویت؛

۲- قسط و عدل؛

۳- علم و معرفت؛

۴- صفا و اخوت؛

۵- صلاح اخلاقی و رفتاری؛

۶- اقتدار و عزت؛

۷- کار و تلاش و حرکت و پیشرفت دائمی.

ج) سوره احزاب آیه ۳۴ «ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصلوات و الصدقات و الصبرین و الصبرات و الخشعین و الخشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحفظین و فروعهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهن مغفره و اجرا عظيما»

از این آیه شاخص‌های اسلام، ایمان، قنوت (اطاعت با خضوع)، صدق (تطابق عمل با دل)، صبر، خشوع، صدقه، صیام، حفظ فرج و ذکر فراوان خدا مطرح شده است.

نکته‌ای در مورد رابطه هویت اسلامی و هویت انقلابی ذکر شد که نیاز به تکمیل دارد. برای شناختن شاخصه‌های انقلابی بودن که در سند چشم‌انداز در کنار قید اسلامی برای هویت آمده است، ابتدا ذکر این نکته ضروری است که اگر چه اسلام در بردارنده همه شاخص‌های انقلابی نیز هست، ولی بدلیل اهمیت خصوصیت انقلابی بودن در استمرار حیات نظام، قید انقلابی نیز در سند چشم‌انداز تصریح شده است و لذا به برخی از شاخص‌های انقلابی بودن اشاره می‌کنم.

۱- مبارزه (با رفاه طلبی و تجمل پرستی، با سرمایه داری، با مقدس نماهای متحجر، با مرفهان بی درد)

۲- دشمن شناسی

۳- سازش ناپذیری

۴- شجاعت و عدم ترس

۵- آمادگی در مقابل توطئه های دشمن

۶- حساسیت نسبت به جریانات سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی

به نظر من در یک جمع بندی از مجموع شاخص های اسلامی و انقلابی، الگوی زیر قابل دفاع است.

✓ خدامحوری: یاد خدا و یاری خدا

✓ آخرت گرایی: آمادگی برای مرگ (یاد مرگ، توبه، میل به شهادت)

✓ ولایتمداری: محبت (دشمنی با دشمنان و دوستی با دوستان، اطاعت مخلصانه)

✓ بصیرت: دشمن شناسی

✓ قیام: رعایت حقوق، اهتمام به امور مسلمین و منفعت به خلق

✓ عبادت: نماز، زکات و امر به معروف و نهی از منکر

✓ معیشت: ساده زیستی و رعایت حلال و حرام

در هر یک از مؤلفه های محوری فوق، شاخص های ذکر شده می تواند نشانگر وضعیت هویت اسلامی و انقلابی مردم باشد.

دکتر ناظمی: آقای دکتر علی اکبری، تعریفی را از هویت مطرح کردند. اگر هویت را به چیستی یک پدیده یا یک جامعه تعبیر کنیم، می تواند معادل «ما هو» یا «ما هی» باشد که چیستی را مشخص می کند و انتظارمان از به کارگیری چنین واژه ای این است که وجوه تمایز این پدیده را با دیگر پدیده ها مشخص نماید. در چشم انداز، وقتی که اشاره شده است که ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی - انقلابی، این قید باتوجه و تأمل و عنایت خاص ذکر شده است. توسعه در کشور باید با هویت اسلامی انقلابی باشد. وجه تمایز توسعه ما بایستی با سایر جوامع روشن باشد، چرا که آنها هم ممکن است دارای جایگاه اقتصادی بالا و رشد چشمگیر در تولید علم و فناوری باشند. چشم انداز پیش روی ما و تحقق آن، باید دارای وجوه تمایز بارز و مشخص، با آنچه که در کشورهای دیگر، تحت عنوان توسعه دنبال می شود، داشته باشد. به نظر می رسد اکثر موارد دیگری که در سند چشم انداز آمده و در صدد بیان ویژگی های جامعه ایرانی است، در پی روشن کردن هویت اسلامی انقلابی است. هویت اسلامی انقلابی ویژگی هایی را به جامعه ما می دهد که بار دیگر جوامع چه غربی و چه شرقی متمایز می شود.

آقای دکتر علی اکبری اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های ملی، ارزش‌های انقلابی، مسئولیت‌پذیری، ایثارگری، مؤمن بودن و رضایتمند بودن و ... را به هویت اسلامی انقلابی معنی کردند. هویت اسلامی انقلابی، وجه تمایز توسعه اسلامی- ایرانی مدنظر ما را با انواع دیگر توسعه مشخص می‌سازد. اگر بخواهیم تفاوت مفهوم پیشرفت و توسعه را روشن کنیم؛ می‌توان گفت پیشرفت، توسعه‌ای با هویت اسلامی انقلابی است.

مطلب دیگر اینکه آیا در واژه هویت اسلامی، هویت انقلابی هم موجود است یا خیر؟ می‌توان گفت هویت انقلابی، قید خاص است که بعد از یک قید عام ذکر شده است و ناظر به اتفاقی است که در ایران افتاده است.

اگر بخواهیم به جای هویت اسلامی انقلابی، از عبارت دیگری استفاده کنیم شاید بتوان آن را هویت شیعی نامید. یعنی اسلامی که در آن انتظار موعودی هست و حرکت به چنین سمتی را مدنظر دارد. جامعه شیعی و منتظر، هیچ وقت به وضع موجود اکتفا نخواهد کرد و همیشه به سمت وضع مطلوب حرکت می‌کند. این ویژگی، یک ویژگی خاص است که در جوامع توسعه‌یافته وجود ندارد. کشورهای توسعه‌یافته حالت ایستایی و میرایی پیدا می‌کنند، در صورتی که در جامعه توسعه‌یافته‌ای که مدنظر چشم‌انداز است، چنین هویتی وجود دارد و وجه تمایز این جامعه با سایر جوامع خواهد بود.

تمایز هویت را با فرهنگ، می‌توان این طور ذکر کرد که فرهنگ، اصلی‌ترین عامل سازنده هویت است. یعنی اگر فرهنگ را به مفهوم محیط زیست انسانی بنامیم، هر کسی که در یک محیط زیست انسانی، زندگی می‌کند؛ ویژگی‌هایی را به خود می‌گیرد و هویتی پیدا می‌کند که وجوه تمایز خود را با سایر جوامع مشخص می‌کند. بنابراین فرهنگ، هویت‌ساز است. نتیجه زیست در یک فرهنگ، هویت یک فرد یا جامعه است. ممکن است واژه هویت را در مورد فرد به کار نبریم، بلکه بهتر است در مورد فرد از واژه «شخصیت» استفاده کنیم، ولی واژه هویت را برای جمع به کار ببریم. هویت، شخصیت مشترک بین آحاد افراد یک گروه یا جامعه است، ولی شخصیت، ویژگی‌های یک شخص یا یک فرد است که او را از دیگران متمایز می‌کند. بنابراین هویت، شخصیت جمعی است. وقتی جامعه‌ای را با هویت اسلامی انقلابی تعریف می‌کنیم، تعبیر آن در فرهنگ اسلامی، امت است. چشم‌انداز ۲۰ ساله، به دنبال ساختن یک امتی است که هم از نظر اقتصادی، توسعه پیدا کرده و هم دارای رشد علمی و فناوری باشد و بخصوص شخصیت مشترک بین آحاد افراد جامعه، اسلامی بودن و انقلابی بودن است. قطعاً افراد جامعه ممکن است

وجوه تمایزی داشته باشند ولی در یک چیز، مشترک هستند و آن هم انقلابی و اسلامی بودن آنها است. این جامعه با سایر جوامع متمایز خواهد بود. تمایز چنین جامعه‌ای باید برتری آن جامعه نسبت به سایر جوامع باشد. بسیاری از جوامع ممکن است از یک جامعه متمایز باشند، ولی پست‌تر و پایین‌تر از آن جامعه باشند. در ادامه سند چشم‌انداز ذکر شده است که هویت اسلامی انقلابی باید طوری باشد که الهام‌بخش بوده و هویتی برتر نسبت به هویت سایر جوامع باشد تا بتواند ظرف وجودی آنها را پر کند و صبغه جهان اسلام را الهی سازد. این هویت باید به گونه‌ای باشد که جامعه ایرانی بتواند تعامل سازنده‌ای هم با دیگر کشورها و جوامع داشته باشد.

دکتر علی اکبری: همه مفاهیم ذکر شده در سند، مفاهیم مرتبط با بحث هویت است. برخی ارکان و عناصر تشکیل دهنده آن و برخی بسترهای حفظ و استمرار و برخی تقویت‌کننده آن و برخی الزام یا پیامد و اثر هویت اسلامی انقلابی می‌باشد. همچنین مفاهیم مندرج در سند به شکل دیگری نیز قابل دسته‌بندی‌اند. دسته اول مفاهیمی که بیانگر هویت اسلامی است، همچون مفاهیم تناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی تاریخی، اتکا بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، نهاد مستحکم خانواده، دوری از فساد، فقر و تبعیض، مسئولیت‌پذیر، مؤمن، برخوردار از وجدان کاری و روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی که اینها مفاهیمی مرتبط با هویت اسلامی می‌باشد.

دسته دوم مفاهیمی از قبیل تعهد به انقلاب و نظام اسلامی، الهام‌بخشی، فعال و مؤثر بودن در جهان اسلام، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت حکمت و مصلحت، مفاهیمی مرتبط با هویت انقلابی می‌باشند.

علیرغم گویائی مفاهیم مذکور و ارتباط وثیق آنها با هویت اسلامی انقلابی در آغاز متن سند چشم‌انداز عبارت (توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی) گویاترین تفسیر از هویت اسلامی و انقلابی و مقصود از آن می‌باشد. همچنان که توسعه‌یافتگی و کسب جایگاه اول منطقه در اقتصاد، علم و فناوری به عنوان هدف، به شرط وجود هویت اسلامی و انقلابی و همراه با آن و با اتکا به آن ذکر شده است.

دکتر ناظمی: اگر در سند چشم‌انداز، فقط به هویت اسلامی اشاره شده بود، کشورهای دیگری

هم هستند که مسلمانند و عبارت هویت اسلامی، می‌تواند همه موارد را در بر بگیرد. نمی‌توانیم بگوئیم جوامع اسلامی، هویت اسلامی ندارند؛ واژه هویت انقلابی است که توانسته هویت ما را از سایر کشورها متمایز کند. یعنی تفسیری که از اسلام شده است، اسلام ناب است.

یاس راجه آیا عدم ذکر هویت ایرانی، نقیصه‌ای برای چشم‌انداز نیست؟

دکتر ناظمی: اگرچه در جایی از سند مفتخر به ایرانی بوده اشاره شده است، ولی از این باب است که هویت ایرانی، تقویت‌کننده هویت اسلامی بوده و هست. باید بگوئیم هویت ما باید هویت اسلامی انقلابی باشد. این هویت اسلامی انقلابی است که قابلیت الهام‌بخشی دارد، نه هویت ایرانی.

وجوه اصلی تمایز ایران در افق چشم‌انداز باید هویت اسلامی انقلابی باشد. قطعاً ویژگی‌هایی مانند زبان فارسی، که در هویت ایرانی مطرح است، الان هم جزء هویت این جامعه بوده و هست و خواهد بود. ولی در افق چشم‌انداز، اسلام و انقلاب باید وجه اصلی تمایز ایران باشد که الهام‌بخش خواهد بود و امروز هم آثار این الهام‌بخشی مشخص شده است. امروزه زبان و آداب ایرانی که در مصر و تونس و لیبی الهام‌بخش نیست، بلکه هویت اسلامی انقلابی ایران است که الهام‌بخش شده است.

یاس راجه جناب آقای مهندس نبوی، حضرت‌عالی چه نظری در مورد تعریف هویت دارید؟

مهندس نبوی: آنچه می‌توان از تعاریف هویت نتیجه گرفت، این که هویت چیزی است که یک شیء به او، او است. یعنی شیء به خاطر آن است که «او» بودنش مشخص می‌شود. همانطور که دوستان گفتند هویت، حد و حدود شیء را از دیگران متمایز می‌کند. آیت... جوادی آملی در تفسیر سوره توحید، «هو» را اسم دانسته‌اند، نه ضمیر و «الله» را صفت این اسم. یعنی واژه «هو» برای نشان دادن هویت و ذات خدا، بلیغ‌تر و رساتر از واژه الله است.

دکتر علی‌اکبری: ما هیچ واژه‌ای که بتواند به مقام غیوبیت حضرت حق اشاره کند، نداریم. **مهندس نبوی:** بله. ایشان اینطور نتیجه گرفته‌اند که یکی از دعاهای بسیار مجرب، صدا زدن

خداوند با عبارت‌های یاهو، یا من لاهو إلاً هو می‌باشد که حدیثی هم در این مورد از حضرت علی(ع) نقل شده است.

دکتر ناظمی: به نکته‌ای لازم است توجه داشته باشیم. گاهی گفته می‌شود که فلان فرد یا جامعه بی‌هویت است. منظور چیست؟ آیا چنین تعبیری درست است؟ چگونه ممکن است یک فرد، بی‌شخصیت یا بی‌هویت باشد؟ فرضاً کسی که مؤنث یا مذکر بودنش مشخص نباشد؛ چنین فردی را می‌توان از نظر جنسیت گفت بی‌هویت است و تکلیف او معلوم نیست.

وقتی هم که گفته می‌شود جامعه‌ای یا فردی بی‌هویت است، بدین معنا است که او مذبذب بین دو هویت است. سند چشم‌انداز تصریح می‌کند هویت افق ۱۴۰۴ باید اسلامی انقلابی باشد. امروزه هویت ما ملقمه‌ای از سه هویت ایرانی، غربی و اسلامی است، به یک تعبیر بی‌هویت هستیم و یا هویت اسلامی انقلابی بر کشورمان غالب نیست. تکلیف هویت‌مان در چشم‌انداز باید روشن باشد.

دکتر علی اکبری: بین هویت و ماهیت، تفاوت هست. هویت، تصویری است که فرد و جامعه از خودش دارد و گاهی، احساس است ولی ماهیت در واقع اصطلاح خاصی در برابر وجود و به معنی حدود و ثغور وجود است.

مهندس نبوی: ماهیت، سؤال از چیستی است.

دکتر علی اکبری: هویت یک احساس و یک اعتبار است. اینکه من ایرانی هستم یا یک عراقی هستم، حقیقی نیست.

مهندس نبوی: هویت ممکن است مؤلفه‌های اعتباری هم داشته باشد ولی چیزی که هویت‌ساز است، حتماً مؤلفه‌های حقیقی هم دارد و به شخص یا جامعه هویت می‌دهد.

نکته دیگر اینکه هویت را فردی و اجتماعی تعریف می‌کنند. در تعریفی که از آقای دکتر حداد عادل دیدم این طور بیان شده بود که فرهنگ یعنی هویت جمعی و این دو را مساوی می‌گیرند. یعنی فرهنگ آن مشخصاتی است که یک جامعه ایرانی را از یک جامعه غربی متمایز می‌کند. نکته بعدی رابطه هویت با توسعه است.

روشن است که الگوی توسعه یک جامعه هنگامی نتیجه می‌دهد و کارآمد است که برخاسته از هویت جمعی و فرهنگ جامعه باشد. در طول تاریخ هم روشن شده است که کسانی که الگوی توسعه‌ای را انتخاب کرده‌اند که متناسب با هویت جمعی‌شان نبوده است، به نتیجه نرسیده‌اند. نکته

دیگر اینکه غربی‌ها از زمانی که احساس نوعی تزلزل در هویت خودشان کردند و هویت دینی که برایشان باقی مانده بود، نمی‌توانست به آنها تشخیص بدهد و منشأ تحول و پیشرفت باشد، روی هویت قبلی خود خط کشیدند و هویت جدیدی به نام مدرنیته را برای خود تعریف کردند که در اینجا بخش اصلی هویت یعنی خدا محوری و تکیه به خدا را انکار کردند و انسان را به جای خدا قرار دادند و انسان‌محور شدند. در نتیجه هویت اصلی خود را از دست دادند و مدرن شدن را مساوی تخریب هویت اصلی خود قرار دادند. مثلاً مؤلفه‌هایی مانند خانواده و سنت‌ها را از هویت خود کنار گذاشتند و هویت جدیدی را به نام مدرنیته اخذ کردند و سیر تحولی را تعریف کردند و مدرن شدن را معادل تهی شدن از ارزش‌های قبلی در نظر گرفتند. کار دیگر آنها این بود که تلاش کردند هویت سایر جوامع را هم متحول کنند. ولی به صورت غیرمستقیم و با شعار مدرن شدن و از سنت فاصله گرفتن.

اگر کلمه ایرانی در بیانیه سند تصریح نشده، بدین معنی نیست که در سند به آن توجه نشده است، بلکه در ذیل سند «مفتخر به ایرانی بودن» آمده است. اگر به مجموعه موضع‌گیری‌های رهبری هم مراجعه کنیم، ایشان روی عنصر ایرانی بودن هم تکیه دارند و به همین دلیل معتقدند که الگوی پیشرفت ما، باید اسلامی - ایرانی باشد. ایشان در مورد مؤلفه اسلامی و ایرانی تأکید می‌کنند که مهمترین ویژگی الگوی پیشرفت ما است. از طرفی فرهنگ را در سطوح مختلف تعریف می‌کنند: فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی، فرهنگ تخصصی و حرفه‌ای. جنبه اسلامی ایرانی و انقلابی بودن نشانگر فرهنگ ملی ما است. هویت اسلامی انقلابی بعد فراملی فرهنگ ما را نیز پوشش می‌دهد.

البته ایرانی بودن هم در نگاه تاریخی دارای ابعاد فراملی می‌باشد. کتابی اخیراً از آقای دکتر ابراهیم فیاض منتشر شده که در تصویری که از ایران ارائه می‌شود، ایران، جنبه جهانی داشته است. یعنی در حقیقت ایران امپراطوری بزرگی بود که بسیاری از فرهنگ‌ها را در خود جای داده بود. از شمال و جنوب و شرق و غرب، تمدن‌های بسیار زیادی را زیر پوشش داشت. پس بعد ایرانی ما هم جنبه فراملی دارد.

دکتر ناظمی: برای درک بهتر ماهیت اسلامی انقلابی می‌توان پرسید آیا هویت ما، با هویت حزب‌الله لبنان تمایز دارد؟ به نظر من هویت ما با حزب‌الله لبنان تفاوتی ندارد و با هم یکی هستیم.

مهندس نبوی: ما یک هویت مشترک داریم که فطری، الهی و جهانی است، که اسلام هم آن را نشان می‌دهد. اما یک هویت محلی هم داریم که با دیگر هویت‌ها متمایز است. یعنی فرهنگ

محلی لبنان حتماً با ما متفاوت است.

دکتر ناظمی: بله، همین طور است ولی آیا فرهنگ محلی، هویت‌ساز است یا خیر؟

مهندس نبوی: بله، فرهنگ محلی هم هویت‌ساز است. ما خصوصیاتی داریم که متناسب با جغرافیا، تاریخ و ... فرق می‌کند. قرآن هم این موارد تحت عنوان قبائل و شعوب مطرح کرده است. این موارد هم منشأ هویت هستند، به همین دلیل اشاره به هویت اسلامی انقلابی و ایرانی می‌شود. ما در وجه اسلامی - انقلابی، حتماً با حزب ... لبنان یکی هستیم. چه بسا با شیعیان عراق هم یکی باشیم ولی تفاوت‌هایی هم داریم که منشأ تعامل فرهنگی می‌شود. اینکه عده‌ای ایرانی، عده‌ای لبنانی و عده‌ای اروپایی و ... هستند باعث تعامل فرهنگی و هویتی می‌شود. یعنی ما می‌توانیم یکسری از ابعاد هویتی خود را تکامل ببخشیم. جامعه ما به عنوان جامعه اسلامی، انقلابی و ایرانی، ویژگی‌هایی دارد؛ و ویژگی‌هایی را هم می‌توانیم از فرهنگ و هویت دیگری اخذ کنیم مانند روحیه ریسک‌پذیری در زمینه‌های علمی، نوآوری و خلاقیت؛ می‌توانیم این موارد را جزء هویت خودمان کنیم. در نتیجه ایرانی بودن هم برای ما به عنوان جامعه ایرانی، جزء هویت‌های اصلی ما است.

چیزی که ما را در پیشرفت کمک می‌کند، هویت انقلابی است که مهمترین ویژگی‌اش تحول‌خواهی است؛ یعنی عدم رضایت به وضع موجود. کسی که فرهنگ انتظار را دارد نیز به همین صورت همیشه در حال نو شدن و کامل شدن است تا زمینه را فراهم کند و به جامعه منتظر برسد. فرآیند پیشرفت ما، یک فرآیند دائمی است و لازم است روحیه انقلابی را همیشه حفظ کنیم نه فقط در دوران ابتدایی انقلاب یا زمانی که احساس خطر می‌کنیم. ما اگر زمانی دشمن هم نداشته باشیم، باز هم باید از روحیه انقلابی برخوردار باشیم.

لازم به ذکر است پایبندی به جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و فرهنگ بسیجی و داشتن روحیه ایثار، شهادت، استکبار ستیزی و حمایت از مستضعفان از مؤلفه‌های هویت انقلابی ما است.

تکیه بر عقلانیت اسلامی، تمسک به قرآن و عترت، داشتن ایمان و عمل صالح و افتخار به ایرانی بودن، جزء هویت اسلامی ایرانی ما است. برخورداری از معنویت دینی، کرامت انسانی، خانواده‌محوری، امید به آینده‌ای روشن، خودباوری، خطرپذیری، جمع‌گرایی و حضور مسئولانه در نهادهای اجتماعی از شاخص‌های فرهنگ اسلامی است و باید جزء مؤلفه‌های اصلی هویت جمعی ما قرار گیرد. اگر در جامعه ما این مؤلفه‌ها عمق پیدا کند، موتور پیشرفت اسلامی با قدرت

بیشتری به کار خود ادامه خواهد داد.

وجدان کاری، همکاری اجتماعی، کارآفرینی، عدالت‌محوری، تعاون اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی، انضباط و قانون‌گرایی مهمترین مؤلفه‌های فرهنگ عمومی است. این مؤلفه‌های هویتی را باید در جامعه تقویت کرد تا پیشرفت عادلانه اسلامی ایرانی تحقق یابد.

ما می‌توانیم با تکیه بر مؤلفه‌های هویتی فراملی مانند اعتقاد به توحید و یگانه بودن هستی، حقوق فطری انسان، رفاه عمومی، اخلاق و معنویت، عدالت و انتظار فرجام نیک برای دنیا با جهانیان تعامل کنیم و منادی صلح و امنیت جهانی باشیم.

دکتر علی اکبری: ذکر نکته‌ای مفید به نظر می‌رسد که در مورد رابطه هویت و قدرت و راه‌های تقویت هویت دینی است. هویت که مؤثرترین عنصر تحول در عرصه حیات فرهنگ سیاسی است، در ایجاد قدرت برای یک ملت، بسیار تعیین‌کننده است. علت آن هم این است که انسان هنگامی که به جایگاه واقعی و هویت خودش باز می‌گردد و جایگاه خودش را درک می‌کند، توان مضاعف و یکپارچه‌ای پیدا می‌کند. اگر به هویت واقعی نرسند، مصداق نسوا الله و أنساهم انفسهم می‌شوند. این مطلب را شهید مطهری بسیار زیبا فرموده است:

«قوی‌ترین حربه دفاعی این انقلاب و مؤثرترین سلاح پیشرفت آن ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. غرب که منظور همه ابر قدرت‌هاست از یک چیز وحشت دارند و آن بیداری خلق مسلمان است. اگر شرق، بیدار شود و خود اسلامی را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده به پا خواسته بر نخواهد آمد. راه بیداری، آشنائی با تاریخ و ایدئولوژی خودمان است.

بنابراین باید خود واقعی را شناخت و آن را درک کرد و این مهم در پرتو آگاهی از هویت دینی، دست‌یافتنی است. گرچه در شرایط کنونی که جهان در حال تحول از مدرنیسم به فرامدرنیسم است، مهمترین عامل حفظ هویت دینی، آگاهی از ارزش و عظمت آن و شناخت نسبت به آن می‌باشد، ولیکن در یک جمع بندی بایستی عوامل دیگری را نیز برای تقویت هویت دینی مورد توجه قرار داد. ضمن آنکه شناخت از پیامدهای تضعیف هویت دینی نیز راهگشاست.

به نظر می‌رسد مهمترین عوامل حفظ و تقویت هویت دینی را می‌توان چنین مواردی دانست:

○ شناخت و آگاهی دادن

○ تبیین جامعیت دینی

- تبیین ارزش‌های اسلامی
- گسترش ارزش‌ها و آرمان‌ها
- تربیت دینی
- ارائه الگوها
- خرافه‌زدایی از دین

دکتر ناظمی: اگر بخواهیم مفهوم روشنی از الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی مطرح کنیم، این الگوی پیشرفت، همان الگوی توسعه‌ای است با هویت اسلامی - انقلابی. صبغه و جوهر چنین پیشرفتی، اسلامی - انقلابی است. وقتی که از هویت صحبت می‌شود، لازم است به همراه ذکر نوع هویت باشد. مسأله اصلی، هویت اسلامی انقلابی است. وجه تمایز توسعه اقتصادی در ایران با توسعه اقتصادی غربی چه چیزهایی خواهد بود؟ در صنعت و خصوصاً در حوزه علم و فناوری چه تمایزهایی خواهیم داشت؟ تفاوت علومی که در کشور ما تولید می‌شود، با سایر کشورها چه چیزهایی خواهد بود؟ اگر بپذیریم که فرهنگ اصلی‌ترین عامل سازنده هویت است، هویت را می‌توان معادل لایه زیرین فرهنگ در نظر گرفت. جایی که مبانی و مفروضات و باورها هست، هویت متناظر با لایه زیرین فرهنگ خواهد بود.

ارزش‌ها و نمادها وقتی هویت اسلامی انقلابی دارند که در مبانی، مفروضات و باورها ریشه داشته باشند، ساختارها و نمادها هویت فرهنگی خاصی دارند. وقتی به نماد پیشنهادی برای المپیک آتی اعتراض می‌شود و آن را نماد صهیونیسم می‌دانند، زیرا این نماد هویتی دارد که از مبانی، مفروضات و باورهای مکتبی خاص و نیتی معین منشأ گرفته است. حتی بناها نیز هویتی دارند که مساجد دارای هویتی خاص هستند؟ این هویت مسجد است که آن را از سایر ساختمان‌ها متمایز می‌کند. این هویت، اعتبارها و الزاماتی بر این نماد و ساختار مترتب می‌کند.

راهبرد یاس
 هویت اسلامی، هویت انقلابی و هویت ایرانی چه شاخص‌هایی دارد؟ این سه مورد که باهم جمع می‌شوند مجموعه هماهنگی را می‌سازند و مجموعاً رابطه‌شان با الگوی پیشرفت، بحث مهمی است که باید به آن توجه کرد. جناب آقای دکتر حاجی‌حیدری حضرت‌تعالی چه ایده‌ای در این مورد دارید؟

دکتر حامد حاجی حیدری: «هویت»، ماهیت نیست و اینجور تعبیر لغتی بدون توجه به مفهوم اصطلاحی، مباحث را نادقیق می‌کند. از این گذشته، هویت جزئی از فرهنگ نیست، بلکه زیربنای فرهنگ است. هویت زیربنایی‌تر از فرهنگ است و به آن شکل می‌دهد. هویت علاوه بر قواعد تعامل اجتماعی، ناظر به تعامل فرد با خودش نیز هست. بالاخره، جامعه، مؤلفه‌ها و عناصری دارد که فرهنگ یکی از آنها است. براساس الگوی تالکت پارسنز، جامعه چهار مؤلفه دارد که فرهنگ یکی از آنها است. اقتصاد، نظام حقوقی، ساختار سیاسی و کنش‌گری جامعه. همه اینها بر زیربنای واحد کنش^۱ تکیه دارد.

راهبر در تقسیم‌بندی پارسنزی، قسمت هسته‌ای که بقیه موارد را جهت می‌دهد، فرهنگ است.

دکتر حاجی حیدری: نه؛ قسمت هسته‌ای، واحد کنش است که مآلاً تعبیر پارسنزی از «هویت» است. از نظر پارسنز، پائین‌ترین و زیربنایی‌ترین سطح انتزاع تحلیل اجتماعی، هویت است. هویت آن قدر زیربنایی هست که می‌توان تاریخ جوامع را به نحو متمر ثمری بر اساس تاریخ هویت‌ها اندازه‌گیری کرد، اغلب کلاسیک‌های جامعه‌شناسی هم همین کار را کرده‌اند؛ یعنی جامعه را براساس هویت، تاریخ‌بندی کرده‌اند.

چیزی که شکل زندگی اجتماعی فعلی ما را می‌سازد، نحوه و دگرگونی اساسی است که در هویت پیش آمده است. پس، اینجا می‌خواهم به گام بعدی بحث خودم اشاره کنم، دایر بر اینکه هویت را مثل هر پدیده دیگری باید بر اساس برآمدن و دگرگونی دنیای مدرن سنجید. مدرنیت، نقطه عزیمت هر تحلیل اجتماعی بایسته است. نمی‌توان انکار کرد که مدرنیت همه چیز را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ با تکنولوژی، با بازار آزاد لیبرال، و با ایده دموکراسی. مدرنیت با این سه مؤلفه همه چیز را تحت تأثیر قرار داده، و در خط اول، هویت‌ها را دگرگون و کم و بیش بیمار و مسأله‌دار کرده است.

آیا همین کارکرد مدرنیته را برای بلوک شرق هم قائلید؟

دکتر حاجی حیدری: ببینید؛ الگوی توسعه بلوک شرق و بلوک غرب، هر دو، دو مؤلفه از ریشه واحد اندیشه مدرن هستند. مؤلفه‌های کلاسیک و رمانتیک؛ مؤلفه‌های دست چپی و دست راستی؛ مؤلفه لیبرال و سوسیال؛ اینها دو نوع تفسیر از یک شعار، و یک جهان‌بینی است. مدرنیته با این تفاسیل و با نهادهایش به عنوان یک فرایند (نه یک رویداد مطلق و کامل) در حال جهانی شدن است و تأثیرات مخرب خود را نیز بر همه جهان به جای می‌گذارد. مسأله این است که در غرب یک انقلاب بورژوازی اتفاق افتاده است و بنا به منطق خود تلاش می‌کند تا در مقیاس جهانی عمل کند. بعضی سعی می‌کنند مدرنیته در این قامت را تحلیل اقتصادی کنند و آن را مرادف نظام سرمایه‌داری بدانند، ولی اصطلاح بورژوازی برای این انقلاب بهتر است چون بورژوازی قبل از آنکه یک وجه تولید باشد، نوعی فرهنگ و هویت ویژه است. برای بورژوازی مهمتر از اقتصاد سرمایه‌داری، نوع نگاه آن به دنیا است که بر اساس آن، دنیای مادی از دنیای غیر مادی منقطع می‌شود و از دنیای یکپارچه مسیحی می‌گسلد. این، چیزی است که به همراه دانش و تکنولوژی، در حال جهانی شدن است. مثلاً در مورد جامعه ایران؛ جامعه ایران از زمان صفویان آماج تأثیرات غربی قرار گرفت و این وضعیت، از زمان تأسیس دارالفنون تشدید شده است و در دوره‌های مختلف تقویت شده است.

دانش مدرن، نوع نگاه انسان و خصوصاً انسان ایرانی امروزی که با آموزش‌های مدرن بار آمده است را تغییر داده است. با درک چنین مواردی است که می‌توان فهمید که چرا برخی جوانان امروزی طبقه متوسط زیر بار ایدئولوژی نمی‌روند. هویت این افراد، یعنی تلقی آنان از خویششان، به عنوان کسی است که در دنیایی زندگی می‌کند که خدا دیگر با آنان ارتباطی ندارد؛ این را فیزیک مدرن که به گستردگی و تبحر توسط جوانان آموخته می‌شود، می‌گوید. آشنایی با برخی از علوم و فیزیک مدرن، این نتیجه را برای دانشجو داشته است که اگر خدایی هم وجود دارد، در امور دنیا مداخله نمی‌کند. این روند در دنیای مدرن مجموعه‌ای از اغتشاشات را در جریان قرن بیستم بوجود آورده است که حاصل برآمدن برداشتی از هویت به مثابه سوژه خودبنیان است؛ یعنی هویت‌هایی که ریشه در جایی ندارند و بی‌خانمان هستند. دنیا در آنها ریشه دوانده ولی آنها در خاکی ریشه ندارند. حال، این هویت بحرانی و خودبنیاد و بی‌بنیاد است که

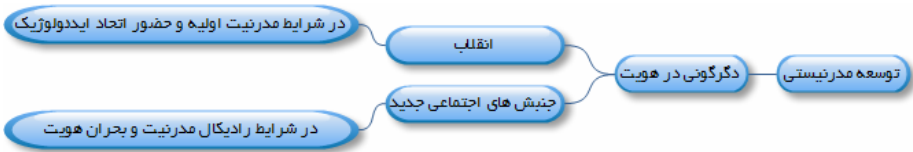
زیربنایی ترین واقعیت سازنده اقتصاد و فرهنگ و سیاست را می‌سازد و آنها را به پیکره‌هایی سیال و بی‌شکل بدل کرده است.

صرفنظر از این مبنای معرفتی برای سیالیت رادیکال و بحرانی هویت، نفس میل به دگرگونی نیز مطلب قابل‌اعتنایی است. گذشتگان ما تلقی ثابتی از خودشان در طول زندگی داشته‌اند، ولی یکی از ویژگی‌های مسلط مدرنیزاسیون، تجدد است؛ گرایش سیری‌ناپذیر به دگرگونی. یعنی در میل خود به دگرگونی آن قدر افراط کردن که همه چیز را از جا می‌کند؛ «ازجاکنندگی»^۱.

قطعاً تلقی ما از خویش‌مان، با تلقی‌ای که امروزه از خود داریم، متفاوت خواهد بود. این سرعت تغییر هویت در مورد جوانان امروزی بیشتر است و جوان امروزی، روزانه و ساعتی منتظر دگرگونی و تغییری در مقیاس زیر و رو شدن است. از این قرار، لازم می‌بیند که همیشه آزادی لازم برای انطباق با این وضعیت یکسره دگرگون را حفظ کند. سبک زندگی چابکی برای خود انتخاب می‌کند و مدام در کار نوسازی و ساخت و ساز آن است. کوتاه بگویم که دسترسی رسانه‌ای بسیار زیاد، یک محرک مهم و در عین حال، تدارکات‌چی مناسب برای این دگرگونی‌طلبی هویتی است.

حاصل این دگرگونی فوق‌العاده متکثر در هویت، که به موازات توسعه شتابان تکنولوژی و ساز و برگ زندگی پیش می‌رود، بحران و تأخر در فرهنگ است. فرهنگ، از آن رو که به مناسبات و روابط و پای‌بست‌های بالنسبه ثابت ارزشی و هنجاری جامعه مربوط می‌شود، طبعاً به چابکی هویت‌ها و نوسازی تکنولوژی، دگرگون نمی‌شود. نتیجه این وضع، تأخر و نابسندگی و بحران در فرهنگ است. همین‌طور سیاست که تابع فرهنگ و اغراض و منافع است. در حالی که هویت و اقتصاد چابک و یکسره دگرگون است، فرهنگ و سیاست لخت و کم‌تحرك است. نتیجه بی‌سامانی در نظم اجتماعی و سیاسی است که در فقدان اتحاد ایدئولوژیک، نه به انقلاب، که به جنبش‌های اجتماعی جدید تبدیل می‌شود.

حالا سیر بحث ما از ربط بین مفاهیم هویت/توسعه/انقلاب/جنبش معلوم می‌شود:



با این تلقی از هویت و آشفتگی فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون، نتیجه توسعه مدرنیستی هم در کشور ما و هم در بسیاری از کشورها، «بی سامان» بوده است.

راهبرد یاس تعریف حضر تعالی از بی سامانی چیست؟

دکتر حاجی حیدری: تعریف بی سامانی، عدم سازماندهی متناسب برون دادها با درون دادها است؛ یعنی عدم تعادلها. مثلاً در دهه ۱۳۴۰، فرآیندی از توسعه را در کشور آغاز کردیم که جامعه نمی توانست با آن همراه شود، و این امر دلایل بسیاری دارد. حاصل بی سامانی، چیزی شبیه انقلاب است، منتهی مشروط بر آنکه شرایط هویتی و فرهنگی برای بروز اتحاد ایدئولوژیک میسر باشد.

انقلاب اسلامی محصول شرایط هویتی جامعه‌ای بود که هنوز فرآیند مدرنیزاسیون در آن هویت‌ها را به شکل جزایر مستقل درنیآورده بود. بنابراین گفتگوهای ایدئولوژیک برای بهبود اوضاع میسر شد و در نتیجه اتحاد ایدئولوژیک یک هویت انقلابی برنامه‌دار میسر گردید.

انقلاب اسلامی محصول شرایط هویتی جامعه‌ای بود که هنوز از هم نپاشیده ولی مصر در شرایطی پیگیر انقلاب است که هویت از هم پاشیده‌ای دارد. چیزی که مردم مصر را متحد کند، وجود ندارد. انقلاب، حاصل اتحاد هویتی حول ایدئولوژی است و هویت مسئله‌دار، حاصل توسعه بدون ایدئولوژی است.

این در حالیست که فازهای پیشرفته مدرنیته، مدرنیزاسیون، خود را در اغتشاشات هویت فردی مانند مصرف گرایی، جنبش‌های اجتماعی جدید، اپیدمی خودشیفتگی‌ها، و در نتیجه زوال سرمایه اجتماعی بروز می‌دهد.

آدم‌های سرگشته امروز، خود را درگیر مصرف، شور و حال جنبش‌های اجتماعی جدید که نوعی دور هم بودن بدون آرمان‌های بزرگ است، به سر و وضع و سبک خود رسیدن‌ها و

خودمحوری‌ها و پرداختن‌های افراطی و وسواس‌گون به خود می‌کند. نهایت همه اینها زوال سرمایه اجتماعی و فروپاشی اجتماعی است. فردیت‌هایی که خودشان بسیار مهم شده‌اند، دیگر میانجی قابل اعتمادی برای برقراری روابط خود با دیگران ندارند.

نتیجه این استدلال‌ها این است که توسعه مدرن از ابتدا یک فرآیند خودتخریب‌گر بوده است. در دهه ۱۳۴۰، توسعه در ایران، باعث نوعی اغتشاش مفهومی در تلقی ما از خویش‌شن شد، اما هنوز زمینه برای ایدئولوژی و ایمان نیرومند وجود داشت که بتواند این اغتشاش را حل کند. شکاف بین راه‌حلی که می‌توانست برای هویت یک پایگاه درست بکند و نظام قبلی باعث انقلاب شد.

اما استمرار پروژه مدرنیت در همین جامعه، بعد از یک وقفه کوتاه در انقلاب، وجه خودتخریب‌گر توسعه مدرن را نشان داد. لایه‌های جوان در طبقه متوسط شهری که امروز مشکل هویتی دارند، دردی دارند که نمی‌دانند چگونه از پس آن برآیند؟ نمی‌توانند به یکدیگر اعتماد کنند و ابزار اعتماد ندارند، چون اعتقاد و فرهنگ مشترک نیرومندی وجود ندارد.

این جوانان هویت‌هایی دارند که نمی‌توانند باهم سازگار شوند، چون هر یک بسیار تفصیل یافته و فربه شده‌اند. هم مجبورند در دانشگاه حرف‌های ملحدانه بشنوند و هم نماز بخوانند.

در نتیجه، برای اینکه ارتباط مناسبی بین استمرار «توسعه»، انسجام «هویت» و استمرار ایدئولوژی «انقلاب اسلامی» برقرار کنیم، باید در اصل پروژه توسعه مدرن تجدیدنظر کنیم. این پاسخ نهایی من به سؤال شماست.

راهبرد آقای دکتر حاجی‌حیدری نقطه عزیمت بحث خود را در مدرنیته و توسعه‌ای قرار دادند که با سرعت بسیار زیادی دگرگونی ایجاد می‌کند و بر هویت افراد در دنیای امروزه تأثیرگذار است. این توسعه، هویت را تخریب می‌کند و تلاش می‌کند هویت مدرنیته را جایگزین آن نماید. یک پیشرفت برای اینکه استمرار داشته باشد، احتیاج به هویت دارد. انسجام هویتی هم مرهون یک ایدئولوژی است. برخی از مدافعین جهانی شدن هم معتقدند جهانی شدن یک ایدئولوژی مشترک نیاز دارد و اینکه ما نفی هرگونه ایدئولوژی را بکنیم جهانی شدن را نفی کرده‌ایم.

دکتر حاجی‌حیدری: همانطور که گفتم، چکیده بحث من این می‌شود که ما یک پروژه توسعه مدرن داریم که تأثیر خودش را در بدو امر بر روی هویت می‌گذارد. این هویت خصوصاً

با توجه به ویژگی مدرنیته که نگاه این جهانی است، قدرت انتزاع را از انسان می‌گیرد. انسان‌ها نمی‌توانند دست به تعمیمی بزنند که آن تعمیم باعث اعتقاد مشترکشان به یکسری ارزش‌های مشترک باشد و یکی از بزرگترین قربانی‌های این قضیه، ایدئولوژی است. یعنی ایدئولوژی به عنوان یک انتزاع از زندگی اجتماعی، دیگر نمی‌تواند شکل بگیرد.

مهندس نبوی: برعکس این مطلب این است که اگر ایدئولوژی باشد که بتواند انسجام هویتی را ایجاد کند و پاسخگو و مؤثر باشد؛ آنگاه می‌تواند هویت را منسجم کند که هنوز هم این مسأله در ایران قوی است. در مورد اینکه وضعیت مصر طوری است که امکان وحدت هویتی ندارند، بنده تحلیل دیگری دارم که فرصت پرداختن به آن نیست. این قضاوت نیاز به تأمل بیشتری دارد که آیا ایدئولوژی اسلامی هویت‌ساز در مصر وجود دارد یا خیر؟ به نظر می‌رسد که وجود دارد.

دکتر خوش‌چهره: سیره حضرت امام (ره) نشان می‌دهد که ایشان در جامعه بی‌هویتی که قبل از انقلاب وجود داشت، و در جامعه‌ای که مدرنیته در ابعاد گوناگون شهرسازی، کارکردها، روابط اجتماعی و ... حضور داشت، کاری کردند که یک هویت اسلامی تشکیل شد. با توجه رسالت انبیاء (فاقم وجهک للدين حنیفاً فطره الله التي الناس علیها)، حضرت امام (ره) هویت‌ها را به فطرت بازگرداند، یگانه‌پرستی و عدالتخواهی از موارد مهمی بودند که امام (ره) به آن توجه داشتند.

دکتر حاجی‌حیدری: من در پایان بحث خودم، می‌خواهم سرخط‌هایی از مباحثی که ذیل این موضوع مهم قابلیت طرح دارند، ولی مجال طرح آنها نیست ارائه دهم؛

یکی از تبعاتی که توسعه دارد، شکاف و نابرابری‌های اقتصادی است، که نابرابری‌های فرهنگی نیز به بار می‌آورد و به نوبه خود، از این نابرابری‌ها تأثیر هم می‌پذیرد. علت این نابرابری آن است که در جریان توسعه و مدرنیزاسیون، افرادی پیشرو هستند و جماعتی هم هستند که نمی‌توانند خود را با قواعد توسعه جدید تطبیق دهند. قواعد توسعه مدام تغییر می‌کنند و همه این توان و ظرفیت و شانس را ندارند که خود را بموقع به آن تطبیق دهند؛ پس، عقب می‌افتند. یعنی کسانی که امکان پیشروی در برنامه‌های توسعه دارند، وضعیت بهتری نسبت به بقیه پیدا می‌کنند. این وضع بهتر، شکاف‌هایی را ایجاد می‌کند که در ایجاد بی‌سامانی اجتماعی و سیاسی مؤثر است و مآلاً برای هویت‌ها نیز مسأله به بار می‌آورد. در نتیجه دگرگونی‌های بسیار و نابرابری‌ها و احساس هرمان‌ها، افراد مدام به این نتیجه رهنمون می‌شوند که در وضع خوبی به سر نمی‌برند و باید در

برنامه زندگی و هویت و سبک زندگی خود تجدید نظر کنند. وقتی که فردی خودش را با کسانی که در جریان توسعه موقعیت بهتری پیدا کرده‌اند، مقایسه می‌کند، مجبور به تجدیدنظر در برنامه زندگی خود می‌شود. این مطلب می‌تواند منجر به سرگردانی هویتی هم بشود. تأثیر فرآیند معیوب توسعه را در ایجاد شکاف‌های اقتصادی و مآلاً احساس هرمان‌های آزاردهنده باید بررسی کرد.

مسئله دیگر، جنبش‌های اجتماعی جدید است. در این نوع جنبش‌ها، ایدئولوژی تغییر امکان شکل‌گیری ندارد، و شعارهای تثبیت شده‌ای نمی‌تواند شکل بگیرد. خود این جنبش‌ها و وجه هویت‌بخشی آن به مشارکت‌کنندگان به بزرگترین هدف از جنبش تبدیل می‌شود. یک تجمع خیابانی و دور هم جمع شدن و داشتن یک حرف واحد، منجر به شکل‌گیری هویتی در این برهوت هویت می‌شود که خود این مطلب هم انگیزه‌ای برای تجمع است.

شکاف‌های قومی مسئله دیگری است که توسعه در میان قومیت‌ها ایجاد کرده است. در کشور ما، مسئله قومیت بسیار جدی است، چون نابرابری حاصل از توسعه، تا اندازه‌ای تابع الگوهای قومی هم هست. حتی بین تهران و شهرهای بزرگ هم نابرابری بسیار جدی است چه رسد به نابرابری بین تهران و روستاها.

انجام تیپولوژی و نوع‌شناسی در مورد انواع گفتمان‌های هویتی و تعیین نسبت آنها با توسعه و استمرار فکر انقلاب اسلامی هم کار لازمی است. از این گذشته، موضوع هویت، موضوعی است که ادبیات قابل ملاحظه‌ای در پژوهش‌های ایرانی دارد و توجه به تنوع دیدگاه‌ها در این حیطه می‌تواند چشم‌انداز این بحث را تفصیل دهد. مثلاً برخی معتقدند اغتشاشات هویتی که امروزه در اطراف ما وجود دارد، (فقط) ریشه در مدرنیت ندارد، بلکه ریشه در تضاد دولت-ملت دارد که به سابقه استبداد آسیایی در ایران بر می‌گردد و در خیلی از کشورهای شرقی نیز همین‌طور است. یعنی در این کشورها، مردم همیشه نسبت به دولت معترض هستند و خود را در مقابل دولت تعریف می‌کنند. این امر دوگانگی و شکافی را در هویت ملت-دولت ایجاد کرده است.

موضوع دیگر، موضوع تأثیر رسانه‌ها در سازمان‌دهی و بی‌سامانی هویت است. رسانه به یک سری از اغتشاشات هویتی، دامن می‌زند. رسانه به دسته‌بندی‌های اجتماعی دامن می‌زند و آنچه را که خودش تشخیص می‌دهد، برجسته‌تر نشان می‌دهد. رسانه برخی از اختلالات و شکاف‌ها را رسمیت می‌بخشد.

مهندس نبوی: آقای دکتر حاجی‌حیدری به تبیین این مسئله پرداختند که توسعه غربی چه

مشکلاتی در مورد هویت ایجاد کرده است. توسعه مدرن، ضد هویت است و ما برای رسیدن به پیشرفتی که مدنظر داریم، احتیاج به انسجام هویتی داریم، عناوین انسجام هویتی مورد نیاز ما در هویت اسلامی، انقلابی و ایرانی وجود دارد. از همین جا می‌توان گفت که مقام معظم رهبری تأکید دارند که ما باید الگوی خاص اسلامی ایرانی برای پیشرفت داشته باشیم.

دکتر خوش‌چهره: انسجام هویتی را می‌توان با بازگشت به خویشتن خویش انجام داد، یا با توجه به عوامل تحول‌زا و تغییرزا از تکنولوژی، تعاملات آن را بررسی کنیم و یا در حالت سوم روی تلفیق این موارد حساب کنیم. البته هویت برای کشوری مثل ایران که تعدد نژاد، قومیت، مذهب و ... دارد، عوامل جاذبی نیاز دارد که اشتراکات را جذب کند و هویت‌ساز باشد و یا قمرها و مدارهای دیگری ایجاد کند که راهی متفاوت خواهد شد.

اگرچه برخی تعدد قومیت‌ها و زبان و نژاد را تهدید می‌دانند و در ابتدای انقلاب هم دیده شد که یکی از قلمروهایی که برای مقابله با انقلاب ایجاد شد و سازمان یافته هم بود، دامن زدن به قومیت‌هایی بود که برای این افراد یک هویت می‌ساخت ولی آنها را از هویت دیگری دور می‌کرد. در شرایط امروزی، این تهدید کماکان هست و بسیاری معتقدند که در امنیت ملی ما نیز این قومیت‌ها می‌تواند مشکل‌ساز شود. البته نابرابری اشکال مختلفی دارد؛ نابرابری اقتصادی، نابرابری جغرافیایی که عدم تعادل فضایی را ایجاد می‌کند که ضد هویت‌بخشی و انسجام است، نابرابری در شهر و روستا از مقولات تأمل برانگیز در مباحث جامعه‌شناسانه است که از سال ۴۲، بعد از تغییر دولت امنیتی، یکی از طرح‌های موساد برای هویت‌زایی در ایران، تغییر جمعیتی شهر و روستا بود. تحت عنوان صنعتی شدن، بخش کشاورزی رو به زوال رفت و مهاجرت‌های اجباری ایجاد شد. قبل از اینکه به مدرنیته پردازیم، ممکن است کارکردهای سیاسی و اقتصادی که باعث مهاجرت از روستا به شهر شده است، قابل تأمل و بسترساز باشد.

اینکه در برخی از اسناد تأکید روی کاهش معنی‌دار جمعیت روستایی می‌شده، در حالی که کشوری مانند چین الگوی پیشرفت خودش را براساس توزیع جغرافیایی جمعیت دنبال کرده است، برای همین به جای اینکه صنعتی شدن را در شهرها و کلان‌شهرها دنبال کند، در مناطق روستایی صنعتی شدن را پیگیری کرده است. یکی از دلایل این کار این بوده است که هویت، دچار خدشه نشود.

نسبت جمعیت شهر و روستا در ایران از سال ۱۳۳۴ تا کنون برعکس شده است؛ یعنی ۲۵٪

جمعیت شهرنشین و ۷۵٪ جمعیت روستانشین تغییر کرده و برعکس شده است. یکی از جاهایی که بی‌هویتی مصداق پیدا کرده است، نابرابری شهر و روستا بوده است که تا حدی مورد اشاره قرار گرفت.

اشکال نابرابری را در مواردی مانند جغرافیایی، نژادی، قومی، مذهبی، نابرابری گروه‌های اجتماعی (در تقسیم‌بندی طبقات متوسط، کم درآمد و با درآمد بالا) می‌توان دنبال کرد.

در مباحث هویتی، رابطه فرهنگ و هویت مهم است. لازم است معلول و علت بین این دو مشخص شود تا بتوان به درستی تحلیل کرد. اگر با این کلید واژه‌ها به بحث نپردازیم، ممکن است در برخی از جواب‌ها دچار اختلال شویم. به عنوان مثال یکی از بی‌هویتی‌هایی که امروزه در بحث شهرسازی مطرح می‌کنند این است که شهرهای سنتی و اسلامی قدیم، از یک بافت کالبدی و فرهنگی پیچیده ولی با علائم و نمادهای مشخص شکل گرفته است که تحت عنوان محله، دارای یک بافت فرهنگی، کالبدی و اجتماعی بوده است که در عناصر هویت بخش آن مسجد محل، گرمابه محله و ... وجود داشته است. در مدرنیته به جای اینکه مبتنی بر عناصر هویت‌بخش پیش برویم، این عناصر را برهم زدیم. این کلام کنایه‌ای به مدرنیته است که می‌تواند در عین مدرنیته این هویت را محور تغییر و تحول خودش به سمت رفاه یا وضعیت بهبود پیش ببرد.

کاهش هزینه‌ها در بافت‌های سنتی، مطلب در خور توجه دیگری است. یکی از برنامه‌ریزان شهری امریکایی در مقاله‌ای عنوان کرده بود که هزینه‌های بالای اجتماعی که امروزه می‌پردازیم، برای این است که بی‌هویتی را ترویج می‌کنیم. در کشورهای غربی، همسایه‌ها معمولاً از یکدیگر بی‌اطلاع‌اند و همین امر هزینه‌های اداره جامعه را افزایش می‌دهد ولی در کشورهای شرقی با توجه به بافت کالبدی که دارند، همسایه نسبت به همسایه احساس مسئولیت می‌کند و کارکردهای بافت‌های شهری به گونه‌ای است که هزینه‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد.

در بی‌هویتی شهری که در تهران شاهد آن هستیم، مدرنیته را در بسط و گسترش ساختمان‌سازی می‌بینیم ولی کارکردها را تعریف نکرده‌ایم.

در مورد هویت، واژه‌ها ذکر شد ولی با توجه به مصادیقی، کارکردها و تجربه؛ باید نتایجی را اخذ کنیم که به نظر من چنین بحثی هنوز جای کار دارد.

مهندس نبوی: در نظریه‌های توسعه پذیرفته شده است که جهان به سمت توسعه بومی حرکت کرده است. زمانی قائل بودند که یک الگوی توسعه وجود دارد و آن هم نوسازی است؛ که باید

در همه جا از آن تقلید شود. کم کم مطرح شد که هر کشوری حق دارد که الگوی توسعه خودش را داشته باشد که باید متناسب با مقتضیات فرهنگی اجتماعی و تاریخی آن کشور باشد. تحول در دیدگاه‌ها هم ایجاد شده است. مثلاً زمانی فقط رشد اقتصادی مدنظر بود ولی امروزه به توسعه انسانی و توسعه پایدار هم رسیده‌اند. غیر از این موارد، الگوهای غربی در بسیاری از کشورها جواب نداد. یکی از مواردی که در ادبیات توسعه پذیرفته شده، اینکه توسعه بومی باشد و متناسب با مقتضیات فرهنگی اجتماعی و تاریخی آن کشور باشد.

دکتر حاجی حیدری: در مورد ایده توسعه پایدار توجه داشته باشیم که یک ایده واحد نیست و از افراد مختلف، ایده‌های مختلف داریم. آیا واقعاً آمارتیا سن یک فاصله معنی‌دار با نظریات توسعه مدرن دارد یا خیر؟

مهندس نبوی: شاید ماهیت آن خیلی تفاوت نداشته باشد.

دکتر حاجی حیدری: در متون توسعه، پس از دهه ۱۹۵۰ میلادی، مسایل توسعه انسانی مطرح می‌شود و به شاخص‌های غیراقتصادی و فرهنگی و بومی توجه می‌شود. پوست‌اندازی توسعه از یک مفهوم صرفاً اقتصادی رویداد تازه‌ای نیست. از این قرار، و با توجه به شرایط بغرنجی که امروز در نسبت با فرایند توسعه و مدرنیزاسیون داریم، صرف این بیان کلی که «یک مدل بومی توسعه» مشکل را حل می‌کند، جواب دقیقی نیست.

این مدل بومی چگونه می‌تواند سطوح مختلف جامعه را توسعه ببخشد؟ چگونه می‌تواند از سطح هویت فردی گرفته تا سطح نهادهای اجتماعی مثل خانواده، تربیت، دین، سیاست و مناسبات اقتصادی و اعتماد را منسجم و جمع و جور نگه دارد؟ سیاست چگونه باید تغییر شکل پیدا کند؟ فکر می‌کنم که مبنای هر بازسازی در الگوی توسعه مدرنیستی باید تجدید نظر اصولی در اصل ارزش‌ها و ایستارهای مدرنیته باشد، که این، یک معضل فلسفی و غامض است. این غموض و دشواری می‌تواند برخی را به این نتیجه «بکشاند» که ما اکنون نباید در مورد «مدیریت توسعه» فکر کنیم، بلکه باید راجع به «مدیریت بحران» حرف بزنیم. یعنی شاید فعلاً نمی‌توان کاری کرد.

مهندس نبوی: ما در سه دهه گذشته تجربه موفق داریم. ما عواملی را به میدان آورده‌ایم که هویت‌ساز بوده است و توانسته است جامعه متمایزی را به نمایش بگذارد و اینها بازگشت به یکسری ارزش‌های مطلق، الهی و آن چیزی است که مدرنیته با آن خداحافظی کرده است. تحت تأثیر عوارض و تهاجم مدرنیته، دچار نوسان‌هایی شده‌ایم ولی توانسته‌ایم مسیر خود را بیابیم و

پیش برویم. وجه تمایز ما اسلامی - انقلابی بودن ما است. هویت اسلامی - انقلابی منشأ انتفاضه اسلامی در غزه، لبنان و عراق است. در مصر هم همین بازگشت به هویت اسلامی است که نتیجه می‌دهد؛ یعنی اسلام با قرائت انقلابی، این اسلام، هویت از دست رفته انسان غربی هم هست چون به ارزش‌های فطری جهانی نظر دارد. مثلاً نگاه توحیدی اسلام می‌تواند کل جهان را منسجم کند. باور به معاد و زندگی آخرت معنویت و اخلاق را به دنیا نوید می‌دهد. رهبری جوامع از طریق امامت و عدالت امکان‌پذیر است. این‌ها ارزش‌هایی هستند که می‌تواند فرایند جهانی شدن را به سرانجام برساند. انقلابی‌گری هم به نوعی هویت‌بخش است چون با پدیده مدرنیته در تعارض است و توسعه غربی را که مخرب هویت است را کنار می‌زند.

انقلابی بودن با استبداد و وابستگی که مدرنیته بوجود می‌آورد، مخالفت می‌کند. هویت اسلامی - انقلابی در ایران تاکنون بحران‌های مختلفی را که مدرنیته برایش ساخته، پشت سر گذاشته و راه خودش را ادامه داده است و امروز الهام بخش بیداری اسلامی می‌باشد.

ایرانی بودن برای ما یک هویت مشترک تاریخی - جغرافیایی را رقم زده است. به نظر من وقتی چشم‌انداز ما با هویت اسلامی ایرانی انقلابی متمایز می‌شود، باید تأثیر خودش را روی الگوی نظام تعلیم و تربیت بگذارد، یعنی زیربنایها را درست کند. چند نظام هست که زیربنایی است و کارکرد مهمی دارد. نظام تعلیم و تربیت، نظام ارتباطی رسانه‌ای، و نظام‌های اجتماعی. یکی از مواردی که می‌تواند هویت بخش باشد؛ نهادهای فطری است که اسلام بنا کرده است و مدرنیته در مقام تخریب آنها است. مدرنیته در مقام تخریب بنیان خانواده است ولی خانواده در جهان اسلام تخریب نشد و خانواده همچنان یک نهاد جمعی و استوار است. مسجد، نماز جمعه، اعیاد و وفیات، حج، وقف و ... نهادهایی هستند که می‌توانند تقویت‌کننده هویت اجتماعی باشند. به نظر من اسلام با این نهادها است که باقی مانده است. باز تولید و احیاء چنین نهادهایی، نهایتاً به همان الگویی منتهی می‌شود که برای پیشرفت مورد نیاز است.

نتیجه این مباحث این است که آن چیزی که به انسان هویت می‌بخشد و او را متمایز می‌کند، جهان‌بینی است و جهان‌بینی دارای ارزش‌هایی است که ذکر شد. یک زمان در زندان‌های شاه با مارکسیسم‌ها صحبت می‌کردیم، می‌گفتند اگر شما توانستید یک کشور با الگوی اسلامی بسازید، آن وقت بیاید باهم بحث کنیم. ما آلان سه دهه را پشت سر گذاشته‌ایم و براساس هویت اسلامی - انقلابی و ایرانی انقلاب کرده و نظامی را ساخته‌ایم، بحران‌های سختی را هم مدیریت کرده‌ایم. این مطالب فقط امیدبخش نیست، بلکه یک واقعیت ملموس است.

آیا فتنه‌ی سال ۸۸ غیر واقعی بود و هجمه جهانی و حساب شده و با تمام توان رسانه‌ای علیه ما صورت نگرفت؟ ۹ دی ۸۸ چرا پدید آمد؟ پدیده ۹ دی اگر یک ظرفیت عظیم هویت‌بخش پشت‌سرش نبود، آیا پدید می‌آمد؟ و بعد ۲۲ بهمن؟ اینها واقعیاتی است که جلوی چشم ما اتفاق افتاده است. چنین ظرفیتی با چنین پایه‌های هویتی وجود دارد که می‌تواند بحران‌ها را پشت سر بگذارد و می‌تواند نظام‌ها و پایه‌های توسعه‌ای که ضرورت دارد را ایجاد نماید.

در ۹ دی فرهنگ و هویت اسلامی ایرانی، بر فرهنگ مهاجم غربی غلبه پیدا کرد و این هویت چیزی بود که وجود داشت و رسانه‌ی ملی از این ظرفیت استفاده کرد. این هویت اسلامی انقلابی است که چنین ظرفیتی دارد و می‌تواند به رسانه و به نظام تعلیم و تربیت و همین‌طور به نظام‌ها و نهادهای اجتماعی محتوا ببخشد.

در ایران امروز، اسلام انقلابی نقش آفرینی می‌کند و به نظر من الهام‌بخشی خودش را هم دارد. اگر در کشوری مثل لبنان هویت اسلامی انقلابی نبود، آیا مقاومت ۳۳ روزه شکل می‌گرفت که برای سید حسن نصر... بتواند محبوبیتی ایجاد کند. این هویت اسلامی انقلابی است که معادلات را برخلاف نگاهی که معتقد بود دست خدا در جهان دخالتی ندارد، به پیش می‌برد و این هویت است که دیدگاه‌های مادی را به چالش کشیده است. چرا سید حسن نصر... پیروز شد ولی جمال عبدالناصر علی‌رغم داشتن لشکری که شوروی تجهیز کرده بود، نتوانست بر اسرائیل پیروز شود؟

دکتر خوش‌چهره: ما الگویی از مبارزه را در هویت اسلامی - انقلابی داریم ولی سطوح این هویت را تفکیک نکرده‌ایم. انقلاب اسلامی نشان داد که می‌توان مبارز بود، با هویت اسلامی. در بحث از هویت، توسعه‌ای را با همه کارکردهای مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مدنظر داریم. ما در هویت اسلامی انقلابی در زمینه مبارزه الگو و الهام‌بخش بوده‌ایم و در مواردی مانند جنگ تحمیلی نشان داده‌ایم که با وجود روحیه ایثار و شهادت طلبی، الگو هستیم و بعد وعده‌های الهی هم به کمک می‌آمده و پیروزهای ما، پیام داشته است ولی ما در توسعه اینگونه نیستیم. ما دچار بحران‌هایی هستیم که یکی از آنها، بحران هویت است؛ بخصوص وقتی که تحلیل اجتماعی و تحلیل نسل جدید انجام می‌شود.

مطلب دوم اینکه رفتار مردم چقدر پایدار است؟ گاهی مبتنی بر یک درک و منطق است و نهادینه می‌شود و گاهی مبتنی بر یک احساس صرف است. رسانه تا حدی تأثیرگذار است و هنر گویلز و هیتلر این بود که روی احساسات مردم کار کردند و توانستند به کمک تکنولوژی و

مفاهیم پایه‌ای و انضباطی که در آلمان بود، به موفقیت‌هایی هم برسند ولی بعد از شکست آلمان، دیگر کسی سخنی از آلمان نازی نمی‌گوید، اگرچه برخی هنوز هم تفکراتی در این مورد دارند. این مطلب نشان می‌دهد که عناصر تشکیل دهنده که استمرار آنها مهم است؛ در این کشور لحاظ نشده است. بنابراین به نقش رسانه باید توجه داشت که فقط روی احساس کار نکنند. کما اینکه منافقین هم بسیار روی احساس جوانان و نوجوانان کار می‌کردند.

بنابراین برخی از مفاهیم هر دو بزرگوار در سطح اقتصادی خرد، مفاهیم خاص خود را دارد و برخی در سطح کلان چنین قابلیت‌هایی ندارد و برعکس.

مهندس نبوی: الهام‌بخشی جمهوری اسلامی، خاص مبارزات سیاسی نیست. در کشور ما زیرساخت‌هایی ایجاد شده و یکسری دستاوردهای علمی ارائه گردیده است. الان فقط در مبارزه با استکبار، الگو نیستیم. امروزه ما در ساختن کشور نیز الگو هستیم. در زمینه علم و فناوری برای برخی کشورها الگو هستیم. مانند الهام‌بخشی که برای حزب... لبنان، حماس و مسلمانان عراق و ... داشتیم. باید به هویت اسلامی ایرانی انقلابی در جامعه عمق بخشید. یعنی این هویت می‌تواند از طریق نظام تعلیم و تربیت به جوانان ما عمق ببخشد و او را دارای هویتی کند که از بحران هویت نجات پیدا کند.

البته عواطف و برانگیختن عواطف در جهت مثبت دارای بار منفی نیست، چرا که بسیاری از عواطف می‌توانند بر پایه جهان‌بینی و اعتقادات برانگیخته شوند.

این هویت اسلامی انقلابی می‌تواند نهادهایی را که سبب پیشرفت ما می‌شوند را نیز شکل دهد و تجربه هم همین را نشان داده است.

یک مثال می‌تواند نشان دهد که اسلام احساسی رو به افزایش نیست، بلکه اسلام عقلانی رو به افزایش است. پدیده‌ای مانند جلسات حجت‌الاسلام پناهیان، که دارای مخاطب روشنفکر و دانشگاهی است. ایشان در مقابله با فتنه و تغییر فضا بسیار نقش داشت. دانشجویان بسیاری بودند که اگرچه در جلسات ایشان شرکت می‌کردند ولی گرایش‌هایی به جریان فتنه داشتند که تحت تأثیر سخنرانی‌های آقای پناهیان، راه سابق را ادامه ندادند. مخاطب جلسات ایشان در دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق(ع) و دانشگاه هنر، همگی افراد جوان و اهل فکر و تأمل بودند. نهم دی پدیده‌ای نبود که بدون کار فرهنگی و هویت‌بخشی بوجود آمده باشد.

دکتر خوش‌چهره: ما در اینکه اسلام ادعای حکومت جهانی دارد و می‌توان اداره آن را اداره هیچ مشکلی نداریم و هیچ الگوی دیگری نمی‌تواند چنین ظرفیتی داشته باشد. ولی بحث هویت

ملی در مورد این است که جوانان ما امروزه چگونه فکر می‌کنند؟ برخی معتقدند که ما امروزه بحران هویت داریم.

مهندس نبوی: پیمایش‌های ملی سال ۸۰ و ۸۲ نشان می‌دهد ما دارای بحران هویت نیستیم و این پیمایش در زمان اصلاحات انجام شده است.

دکتر خوش‌چهره: ولی همین تفکر ناب اسلامی با چیزی که در برخی از موارد در کشور اتفاق می‌افتد، بسیار متفاوت است. آیا معماری تهران هویت اسلامی دارد؟ اینکه ظرفیت اسلام برای شهرسازی و معماری چقدر است، یک واقعیت است و اینکه ما در چه شرایطی هستیم، بحث دیگری است.

مهندس نبوی: برای اسلامی ایرانی شدن شهرسازی و معماری سیاست‌گذاری شده است.

راهبرد یاس با تشکر از حضور سروران و اساتید محترم در این میزگرد. موفق و سربلند باشید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی